

حقوق تجارت

ولی قسمت عمده نویسندگان حقوقی انگلیس مخالف این نظریه هستند و عقیده دارند بر این که شخصیت مزبور غیر واقعی است و استدلال می کنند که اگر هم بواسطه رابطه موجوده بین اعضاء تشکیلاتی و خود آن تشکیلات بتوان شخصیت آنرا واقعی تصور کرد چون اراده شخص حقوقی قائم بنص صریح قانون است و اراده مزبور را قانون از طریق اکثریت آراء برای چنین تشکیلاتی قائل شده است بنابراین اراده مزبور موهم و نتیجتاً شخصیت آن نیز غیر واقعی است

بقاء شخصیت حقوقی اتحادیه ها و تشکیلات منوط ببقاء افرادی که آنرا تشکیل داده اند نمیباشد و ممکن است کلیه اعضاء آن از بین بروند ولی شخصیت آن هنوز باقی باشد

مثلاً اگر تمام اعضاء شرکت سهامی از بین بروند شخصیت شرکت بجای خود باقی است یا آنسکه اگر فرض شود که مؤسسه شهرداری ایجاد و بعداً تمام اعضاء آن منتظر خدمت شوند مؤسسه مزبور و شخصیت آن بحال خود باقی میماند

نویسندگان انگلیس تردیدی نسبت بصحت اصل مزبور نداشته و آنرا محرز و مسلم میدانند و «ساوینی» نویسنده معروف آلمان نیز بصحت آن معترف است

قبول شخصیت حقوقی برای مؤسسات و تشکیلات در هر صورت از نقطه نظر تسهیل در امور فوق العاده مفید واقع شده است و شاید هم این امر در تقویت فکر مزبور نزد استادان فن عامل مؤثری بوده است

اگر فرضاً شخصیتی برای شرکت تجارتی قائل نشویم و احیاناً احتیاجی حاصل شود که عرضحالیه بشرکت ابلاغ کنیم صرفنظر از اصول محاکمات حقوقی طبق

اصول کای حقوق و مراعات عدالت لازم است بهر يك از افرادی که جزء این شرکت هستند از نظر علاقه که در امور شرکت دارند عرضحال علیه ارسال و تبلیغ شود و البته چنین امری در عمل مورد بسی اشکال است ولی با قبول شخصیت حقوقی برای شرکت اشکالات مزبور مرتفع است اشخاص غیر واقعی که در ایران برای آنها شخصیتی منظور گردیده در قانون تجارت معین و عبارتند از:

۱- کایه شرکتهای تجارتی که طبق قانون تجارت تشکیل شده است

۲- تشکیلات و مؤسسات ملی که برای مقاصد غیر تجارتی تأسیس شده از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد

۳- مؤسسات و تشکیلات دولتی و شهرداری بمحض ایجاد و بدون احتیاج ثبت

حقوقی را که قانون در باره اشخاص حقوقی مراعات مینماید باید نوعی باشد که تعلق آنها بشخص حقوقی امکان پذیر باشد و باین مناسبت ماده ۵۸۸ قانون تجارت مینویسد که «شخص حقوقی میتواند دارای کایه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل شده است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف اہوت و امثال ذلك

اراده شخص حقوقی

هر چند شخص حقوقی چنانچه در گذشته ذکر شد جسم مادی خارجی ندارد و غیر واقعی است و بنابراین این ظاهراً فاقد قوه اراده بوده و نمیتواند شخصاً وارد در عمل شود ولی چنانچه قانون شخصیت او را محرز نموده قوه اراده و عمل نیز برای او تهیه کرده است

و اختیارات مزبور بر علیه او نیز نافذ است
 در امور حقوقی تعیین حق و تکلیف شخص حقوقی
 با صراحت اسان قانون ملاحظه باشکالی نمیشود ولی مسئله
 که تا اندازه مهم و شاید تصور آن خالی از اشکال نباشد
 آنست که آیا شخص حقوقی میتواند مرتکب جرمی شود
 که مشمول مقررات قانون جزا باشد؟

عقیده علماء اروپائی بر آن است که اگر جرم
 مربوط بسانجام امر مثبتی باشد مثل دزدی و امان آن
 شخص حقوقی را نمیتوان مشمول تصور نمود ولی در امور
 منفی مثل عدم انجام تکلیفی که قانوناً جرم شناخته شده
 است شخص حقوقی قسابل تعقیب جزائی است و چون
 حبس از جمله مجازاتی است که اجراء آن درباره شخص
 حقوقی غیر ممکن است بنا برین جریمه نقدی و مجازات
 دیگری که اجراء آن امکان پذیر است از قبیل انحلال شرکت
 بجای آن مجری میشود

قانون تجارت ایران نیز هر چند بالصراحه این
 موضوع را تأیید نکرده است ولی در ضمن ماده ۲ قانون
 ثبت شرکتها مصوب ۱۱/۳/۳۱۰ مقرر میدارد که «... و
 الا بتقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا
 بعمل آید محکمه مدیران آنها را بیکصد الی هزار تومان
 جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای
 مدعی العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر
 خواهد شد

از جمله اخیر چنان استنباط میشود که اصل کلی
 فوق در قانون ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است

اقامتگاه شخص حقوقی

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مقرر میدارد که اقامتگاه
 هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت
 داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد

اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم
 امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب میشود؛

باین طریق که قانون یکمده اشخاص طبیعی معینی
 را بنمایندگی شخص حقوقی معرفی و بسانها صلاحیت
 اتخاذ تصمیم برای او داده است و باین نحو شخص
 حقوقی مزبور در امور مربوطه بخود اخذ تصمیم نموده
 و آنرا بوسیله همان نمایندگان تبدیل بفعل مینماید
 در تأیید این امر قانون تجارت ایران در ماده ۵۸۹
 مقرر میدارد که «تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتی
 که بموجب قانون یا اساس نامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند
 گرفته می شود»

حدود اختیارات نمایندگان که صلاحیت در اتخاذ
 تصمیم و اقدام در امور شخص حقوقی دارند قانوناً معین
 گردیده و در صورت تجاوز از حدود اختیارات مذکوره
 عملیات آنها مربوط بشخص حقوقی نبوده و کل بر حدود
 اختیارات محسوب است بنا برین در چنین موردی مسئولیتی
 متوجه شخص حقوقی نخواهد بود

اختیارات شخص حقوقی قاعدتاً محدود باهوری
 است که بجزای انجام آن ایجاد شده است و بطور کلی
 اختیارات مزبور بموجب قانون یا اساس نامه تعیین
 می گردد.

همانطورنی که حقوق یک شخص طبیعی حتی المقدور
 در باره شخص حقوقی مراعات میشود تکالیف شخص
 طبیعی نیز در حدود مقررات ماده ۵۸۸ قانون تجارت
 برعهده او است و در صورت قصور از اتیان بتکالیف مزبور
 مسئولیت ناشیه از آن متوجه شخص حقوقی متخلف
 خواهد بود

بنا برین اگر شخص حقوقی ضمن تمهد نامه یا
 قراردادی تکالیفی را برای خود قائل شود در صورت
 عدم اتیان بتکالیف مزبور در مقابل تمهدله مسئول و حیران
 خسارات ناشیه برعهده او میباشد

ضمناً باید در نظر داشت که شخص حقوقی قادر
 بر استفاده از کلیه اختیارات مذکوره در قانون مدنی بوده